

خشونت در جامعه ما ایجاد فضا و امکانات مناسبی - یعنی در نهایت آزادی و به دور از نگرانی و سانسور - است برای نقد و بررسی تاریخ و تاریخچه خشونت هایی که کشور در سال های نخستین بعد از پیروزی انقلاب با آن روبرو شد.

م. ث.



یادداشت ها

1- Raymond Aron, *Histoire et la dialectique de la violence*, Gallimard, 1978.

۲- هانا آرنست، *خشونت*، ترجمه عزت الله فولادوند، خوارزمی، تهران ۱۳۵۹.

تازه های مطبوعات زنان

در سال جاری، در عرصه مطبوعات زنان شاهد انتشار یک روزنامه و دو ماهنامه جدید بودیم: ماهنامه مهتاب ماهنامه حقوق زن و روزنامه زن.

روزنامه زن

پس از انتشار پیش شماره هایی چند در نمایشگاه مطبوعات سال ۷۷، روزنامه زن از نیمه مرداد ماه امسال انتشار خود را به طور مداوم رسماً آغاز کرد و در حال حاضر چند ماهی است که به طور منظم در اختیار مخاطبان خود قرار می گیرد. این روزنامه قصد دارد «با نگاه زنانه و برای زنان بنویسد و نه فقط در مورد

چنین دیدگاهی در تناقض اصولی با دیدگاه دیگری از فلسفه تاریخ است که این نقش را برای عقل قائل می شود. جمع این دو دیدگاه مسلماً ممکن نیست.^۱

علاوه بر این، پرهیز از بازیابی و نقد دوره هایی از تاریخ کشور، خود به نوعی می تواند به ترغیب ناخواسته خشونت منجر شود. مسلم است که در هر دوره ای از تاریخ کشور، تعدادی از شهروندان به دلایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و یا اقتصادی احساس تظلم می کنند و عده ای دیگر نیز آن وضعیت را عین عدالت می دانند. هرگاه علیرغم مشکلات عاطفی و سیاسی ناشی از بازیابی تاریخ نزدیک، فرصت بحث و تبادل نظر آزادانه درباره این دوره را فراهم نیاوریم، در واقع به کسانی که احساس تظلم می کنند، این باور را القا کرده ایم که ظلمی را که احساس می کنند به آنان شده است، رفع شدنی نیست. یعنی همواره تعدادی از شهروندان کشور با احساس بی عدالتی زندگی را سر می کنند؛ بی عدالتی ای که گویا فرصت رفع آن به دست نخواهد آمد. می دانیم که احساس تظلم یا احساس بی عدالتی یکی از منشأهای اصلی رویکرد به خشونت است.^۲ در واقع یکی از راه های جدی مقابله با خشونت، به ویژه خشونتی که منشأ سیاسی دارد، این است که برای تمامی شهروندان این کشور روشن شود که در هر زمان که بخواهند حق بازیابی و بازاندیشی تاریخ خود را دارند و این که همه اطمینان یابند که هیچ یک از دوره های تاریخ ایران به فراموشی سپرده نخواهد شد.

به این اعتبار، تنها راه جدی مقابله با

زنان» و همچنین با تأکید بر این که «هدفش این نیست که به زن سالاری برسد و مرد و زن را در مقابل هم قرار دهد بلکه تعادلی بین این دو و با ارزش های مساوی ایجاد» کرده و به بیان مسائل زنان در جامعه ما و تلاش های آنان پرداختد. (یادداشت: چرا روزنامه زن؟، روزنامه زن، شماره یک، ۱۷ مرداد ۷۷، ص اول) این روزنامه در عین حال بر این نظر است که بخشی از مسائل زنان به خودشان برمی گردد یعنی آنجایی که زنان خودشان را «کم باور دارند و پذیرای چیزهایی هستند که فکر می کنند باید با آن خو گرفت» (همان). همچنین در این اولین سر مقاله آمده است: «فکر می کنیم که نباید سنت شکنی کنیم، فکر می کنیم سنت ها همان قوانین و موازین شرعی است. غافل از اینکه بخشی از مسائل بر می گردد به تداخل سنت و شرع، بعضی از آنها تحمیلی است و بعضی خوب و مورد قبول». هدفی که روزنامه زن برای خود قرار داده در واقع تداوم راهی است که طی چند سال اخیر در بعضی از مطبوعات زنان با جدیت پیش گرفته شده بود، با انتشار روزنامه زن این مسیر ابعادی گسترده تر به خود گرفته

است. بدین معنا که از طریق «طرح قوانین اجتماعی و خلاء های موجود، زنان را با حقوقشان و مردان را با حقوق زنان آشنا کند. حقوقی که به علت بی اطلاعی مورد بی توجهی و گاهی هم فراموشی قرار گرفته است». روزنامه زن همچنین با قراردادادن «دختران جوان» در زمره مخاطبین خود «بنا دارد شرایطی بوجود آورد تا آنها از «دختر بودن» خود دچار احساس کمبود و ضعف نکنند چرا که می توانند با تلاش خود و کسب آگاهی و علم «افق تازه تری برایشان گشوده شود» (همان).

در عین حال این روزنامه سعی داشته با خبر رسانی منظم، مسائل روز اجتماعی و سیاسی را بازتاب دهد و اخبار روز را با تقسیم بندی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، ورزش، اندیشه، گفتگو، ادب و هنر، سینما و موسیقی و بین الملل در حجم ثابت ۱۶ صفحه در قطعی کوچکتر از معمول سایر روزنامه ها در دسترس خوانندگان خود قرار دهد. به علاوه روزنامه زن فضایی را به طرح پرسش هفته برای نظر سنجی افکار عمومی اختصاص داده تا با ارزیابی آن، هم از نظریات خوانندگان

روزنامه

خود بهره گیرد و هم از این طریق، آنان را به موضوعات مطروحه جلب و درگیر مباحث روز نماید. این روزنامه تا کنون به مسائل روز نظیر ازدواج زود هنگام یا زیر سن بلوغ دختران، ازدواج موقت و ازدواج های اجباری، مسئله حضانت و دیگر مسائل مهم حقوقی و اجتماعی زنان پرداخته است.

حضور این روزنامه و رویکرد آن موجب واکنش هایی هم در گرایش های دیگر در حوزه زنان بوده است و از جمله شاهد ابراز نظرهایی بودیم مبنی بر اینکه این روزنامه پا را فراتر از «حیطه» واقعیت زنان در اسلام گزارده و با کمک گرفتن از مطبوعات غرب از این «محدوده» خارج و در نتیجه موجب رنجش آنان گردیده است. (گفتگوی اختصاصی با خانم مریم بهروزی «با ازدواج موقت مخالفم»، امید جوان، شماره ۹۶، ۲۶ مهر، ص ۶).

امید واریم این یومیه بتواند آن گونه که خود خواسته است در عرصه مطبوعات زنان بر «گشودن افق های تازه تری» پیرامون موضوعات زنان و نیز حضوری را که «بر صمیمیت اصرار دارد و از فراسوی عصبیت ها گام در راه دانایی و آزادی بر می دارد»، موفق بوده و مرحله ای باشد تا به بروز گفتارهای تازه تری در این حوزه یاری رساند و در واقع شاهد نزدیک شدن هرچه بیشتر مطبوعات زنان به واقعیت های زندگی آنان باشیم.

ماهنامه 'مهتاب'

مجله مهتاب، ماهنامه فرهنگی و اجتماعی است که شماره نخست خود را از

آذرماه ۱۳۷۶ آغاز کرده و در فعالیت یک ساله خود موفق به انتشار ۱۱ شماره در ۷ مجله شده است. مهتاب که اولین مجله مخصوص دختران می باشد هدف خویش را در اولین شماره خود تحت عنوان «حرف اول»: ایجاد زمینه «با حرف ها، فکرها، دردها و مشکلات دختران برای تغییر پندارهای غلط درباره دختران و به دست خود دختران، ترسیم می کند؛ که مسلماً هدف کوچکی نیست، دور از دسترس هم نیست». در ادامه این نوشته آمده است «اگر دارندگان اندیشه های خرافی درباره زنان، در این مسئله که خداوند زن و مرد را برابر آفریده است، بیشتر و صادقانه تر بیندیشند، سد بزرگ انرژی های نهفته در دختران شکسته خواهد شد و آن وقت همین دختران نقش واقعی خود را در جامعه ایفا می کنند و نشان می دهند که افرادی توانا و مؤثر هستند» («حرف اول»، مهتاب شماره ۲، آذر ۷۶، ص ۴).

در گفتگویی با علیرضا متولی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول این ماهنامه در توضیح انگیزه انتشار مهتاب چنین گفت: «در سال های ۷۱-۷۲ مشغول تحقیقات دانشگاهی ام درباره موضوعی مربوط به دختران و زنان بودم، در آن زمان بود که متوجه این همه تبعیض هایی شدم که آنها در زندگی خود، با آن مواجهند. در واقع بخش عمده ای از تبعیضات در توزیع آگاهی و دانش به خصوص در سنین نوجوانی است که اهم آن در بسیاری از خانواده ها، شروع می شود. در خانواده دخترها نمی توانند دسترسی مستقیم به این آگاهی داشته باشند. یعنی پدر یا برادرها خودشان مجله ای را می

خوانند و بعد آن را به دختران و خواهران خود توصیه می کنند. از سوی دیگر، آگاهی های اجتماعی که داده شده یا خیلی عمومی است و یا خیلی پسرانه، و به موضوعات خاص دختران هیچ گاه پرداخته نشده است و همین امر باعث شده که دختران، پسرانه فکر کنند. حال آن که، دیدگاه آنها نسبت به سبک و نوع زندگی و از جانب تفکر عمومی نیز باید دیدگاه خودشان باشد، آن ها باید دخترانه فکر کنند. و از همان جا در ذهن من این فکر ایجاد شد که باید به دختران آگاهی های خاص داده شود و باید ما هم در دیدگاهمان تغییر حاصل شود و مهم تر این که این امر فقط به دست خود دختران میسر می شود. به همین دلیل در مهتاب ما به هیچ سوالی جواب ندادیم و پیشاپیش راه حلی را تعیین نکردیم؛ و این فرصت را هم به دختران و هم به بقیه دادیم که مسائل شان از طریق خودشان حل شود، یعنی اینکه فکر کنند و با آشنا شدن با افکار مختلف راه حلی پیدا کنند. ما در حقیقت، محیط گفتگو ایجاد کردیم که خودشان درگیر بحث شوند». آقای متولی در ادامه

صحبت خود می گوید: «مخاطبین ما در سطوح دبیرستانی هستند و روش ما این نیست که بگوییم شما این را نمی دانید، بلکه باید بگوییم شما این را بدانید بهتر است؛ یعنی برخوردمان باید به گونه ای باشد که آن ها خیلی چیزها را می دانند ولی همه چیزها را نمی دانند. هدف اصلی مجله ما این است که دختر امروز را در تمامی جنبه های یک زندگی سالم یعنی در واقع یک «دختر انسانی» را بشناسیم و بشناسانیم. یک زندگی سالم مسلماً هم دین، هم ملیت و هم اخلاق را شامل می شود. (یعنی اینکه نخواستیم دستور العمل دینی ارائه دهیم.) به نظر من در این راه اندیشه های خرافی باید زدوده شود هم در دخترها و هم در پسرها. اما با توجه و تشخیص اینکه چه چیز خرافه است و چه چیز نیست. (قرن ۲۱ قرن رجعت به سنت هاست و نیاز به رجعت به سنت ها در اغلب جوامع دیده می شود) این مشکل زمانی تشدید می شود که می بینیم آموزش خاص دختران نه در مدارس وجود دارد و نه در خانواده. به علاوه دختران اعتراضات این است که جامعه هنوز به پندار و



فهم درستی از موجود انسانی دختر نرسیده است و تجربه نشان می دهد تنها ابزارهای مهم برای تأثیر گذاشتن بر این پندارهای موجود در واقع افزایش دانش و اطلاعات و نشان دادن قابلیت ها از جانب خود آنان است. از طرف دیگر به نظر ما، خانم ها هم کاری نکرده اند که اثبات کنند خودشان که هستند. این کارها باید از سنین پایین و در کودکی انجام شود. باید از بچگی، بچه ها را باور کرد. بینش موجود ناشی از ناخودآگاه جمعی ماست و به همین سادگی ها نمی تواند تغییر کند. در پایان آقای متولی از موفقیت و استقبالی که تا کنون از جانب مخاطبان خود داشته و همچنین راهی را که برای مجله **مهتاب** انتخاب نموده ابراز رضایت و خشنودی کرد.

زنان، خانم گرامی زادگان، پیش از این عهده دار سردبیری مجله **زن** روز بوده است. دست اندرکاران این نشریه به دلیل فعالیت مطبوعاتی خویش در دو دهه اخیر بر این نظر اند که کماکان و به طور عام «برای ارتقای زنان به سطح مناسب باید بسیار کوشید» چرا که «در طول سالیان نه خود آنان و نه خانواده و نه جامعه آن گونه که شایسته توانایی و استعداد زنان بوده توجه ای به آنان نشده» است و به طور خاص هنوز «نارسایی ها و نقاط مبهمی در ارتباط با جایگاه زن، حقوق او و نحوه برخورد قانون و مراجع قضایی با حقوق زنان وجود دارد که لازم است یک بار دیگر اندیشه و نوع نگرش به زن بررسی و بازرسی شود» (سرمقاله، «نیمه دیگر، رنج گذشته، بیم آینده»، **حقوق زنان**، شماره اول، فروردین ۷۷).

حقوق زنان

ماهنامه **حقوق زنان** که از فروردین

۷۷ کار خود را آغاز کرده، هر چند نشریه ای نوپا در گستره مطبوعات زنان به حساب می آید، اما گردانندگان آن از پیشینه پانزده ساله ای در مطبوعات و مسائل زنان برخوردارند. صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه **حقوق**

از نظر دست اندرکاران مجله **حقوق**

زنان «زن جامعه ما خویشتن را نردبان ترقی و پیشرفت افراد خانواده و جامعه کرده است بی آن که برای پیشبرد اهداف فردی و تعالی علمی و اجتماعی خویشتن بکوشد» (سرمقاله، چرا **حقوق زنان**؟!، **حقوق زنان** شماره سوم، تیر ماه ۷۷، ص ۴).

باعث دلگرمی زنان و تمامی افرادی است که در این حوزه فعال هستند. امید است این نشریه در راهی که برای خود ترسیم نموده و همچنین در بازتاب مسائل تمامی زنان جامعه ما موفق باشد.

زیبا جلالی نائینی

بازگشت پیشه وری

پس از انتشار مقاله «ایرانیت و ساماندهی سیاسی منطقه ای در اندیشه پیشه وری جوان» از آقای رحیم رئیس نیا در شماره قبل گفتگو (ش ۲۰، تابستان ۱۳۷۷، صص ۴۹-۵۷)، آقای عبدالله محسنی در انتقاد از این که چرا گفتگو چنین مطلبی را منتشر کرده است، یادداشتی ارسال کرده اند به شرح ذیل:

... از فصلنامه ای که عنوان «فرهنگی و اجتماعی» را یدک می کشد، واقعاً بعید، و حتی قبیح است که با سوابق و عملکرد کاملاً روشن و آشکار عنصر معلوم الحالی چون سید جعفر پیشه وری در سر سپردگی به بیگانگان، از «ایرانیت» در «اندیشه های» او سخن بگوید. کیست که از واقعه دردناک خود مختاری آذربایجان در اواخر جنگ دوم جهانی و تلاش های فرقه دموکرات آذربایجان - بخوانید تشکیلات امنیتی شوروی - برای تجزیه آذربایجان از پیکر ایران اطلاع نداشته باشد و به خوبی نداند که چه اهداف شومی در پشت سر این طرح که مجری اصلی آن پیشه وری بود، وجود نداشت؟

به همین دلیل نه تنها پا گرفتن نشریه ای با برنامه آگاهی دهی و دادن آموزه های حقوقی و اجتماعی به زنان به منزله پاسخگوی گوشه ای از نیاز زنان در رفع تبعیض های قانونی، مدنی و سنتی برای ترمیم شرایط نامطلوب گذشته و حال (همان) ضروری به شمار می رود، بلکه به افرادی که جدا کردن حقوق و مسائل زنان از مردان را موجب تضعیف زنان می دانند چنین پاسخ می دهد: «در جامعه ای که زنان نه از لحاظ حقوق و نه بهره وری از امکانات موجود، در سطح مردان نیستند چرا انتشار مجله ای به نام حقوق زنان که در راه اعتلای فرهنگی و آموزشی زنان می کوشند، برای برخی چنین ناخوشایند است؟ چرا که هنوز زانی هستند که از گذشته رنج می برند و از آینده بیم دارند، زانی که جایگاه حقیقی خود را در خانه و جامعه نیافتند» (همان).

این نشریه تا کنون ۶ شماره خود را به طبع رسانیده که طی آن به بررسی موضوعات مهمی در حوزه زنان از جمله مسئله خشونت نسبت به زن و قضاوت زنان را در حیطه مسائل حقوقی زنان، بررسی طرح های قانونی مصوب اخیر مجلس (طرح ممنوعیت استفاده ابزاری از زن و طرح انطباق) را در حیطه مسائل قانونی زنان، معرفی فعالیت زنان در عرصه های مختلف در حیطه مسائل اجتماعی و تاریخی زنان، بازتاب گفتگو با صاحب نظران در حیطه مسائل شرعی زنان و آشنایی با زنان جهان، حقوق و فعالیت آنها پرداخته است.

حضور ماهنامه حقوق زنان با پشتوانه تجربی و تحقیقی و نیز با اهدافی که گفته شد